

اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دهم مدارس دولتی

سحر حیات بخش^۱، غلامحسین انتصار فومنی^{۲*}، مسعود حجازی^۳

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۳/۲۰

چکیده

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دهم مدارس دولتی انجام شد. روش این پژوهش از نوع آزمایشی با طرح گروه کنترل نامعادل بود. جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه دهم شهر زنجان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۷۷۱ نفر بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و سپس به‌طور تصادفی در ۲ گروه (۱ گروه آزمایش و ۱ گروه کنترل) تقسیم و جایگزین شدند. آزمودنی‌های هر دو گروه پرسشنامه‌های اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی را در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تکمیل کردند. گروه آزمایش به مدت ۱۱ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت مداخله آموزشی هوش اخلاقی قرار گرفتند؛ درحالی‌که در طول این مدت گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای را دریافت نکردند. نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد که آموزش‌های هوش اخلاقی در افزایش اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر داشت ($P < 0/001$). به‌طور کلی نتیجه این پژوهش نشان داد برای افزایش اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان، استفاده از آموزش هوش اخلاقی مؤثر است.

واژگان کلیدی: هوش اخلاقی، اخلاق تحصیلی، خودکارآمدی

۱. دانشجوی دکترای روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران

۲. استادیار گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران (نویسنده مسئول)

Foumani1397@gmail.com

۳. استادیار گروه روان‌شناسی کودکان استثنائی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد زنجان، ایران

مقدمه

انتقال ارزش‌های اساسی جامعه در کانون اصلی توجه نظام آموزشی قرار دارد، به گونه‌ای که مدرسه دانش‌آموزان را متعهد می‌سازد ارزش‌های جامعه را درونی سازند. در مدارس، آموزش ارزش‌ها در لابه‌لای دروس گوناگون صورت می‌گیرد و کارایی تعلیم ارزش‌ها در هر درس، به میزان درک معلم از اهداف موردنظر در آن درس بستگی دارد. نظام آموزش و پرورش از طریق روش‌هایی که در امر تدریس به کار می‌گیرد ارزش‌ها و برداشت‌های خاصی را در ذهن دانش‌آموزان جای می‌دهد و در روند تبیین ارزش‌ها، همسالان از طریق کنش متقابل نقش مهمی ایفا می‌کنند، به گونه‌ای که نظام‌های آموزشی در دنیا تلاش می‌کنند از توانایی‌های منابع انسانی خود سود ببرند (دانایی‌فرد و تراب‌زاده، ۱۳۹۶). برای کسب موفقیت دانش‌آموزان اقدامات و تلاش‌های گوناگونی از سوی دست‌اندرکاران امر تعلیم و تربیت باید صورت گیرد. نتیجه این تلاش‌ها می‌تواند به استفاده بهینه از امکانات و زمان منجر شده و در ارتقاء کیفیت آموزشی و مهارتی دانش‌آموزان مؤثر واقع گردد. از جمله این اقدامات می‌توان به ارتقاء خودکارآمدی تحصیلی^۱ آنان اشاره کرد. مفهوم خودکارآمدی تاریخچه مختصری دارد که از سال ۱۹۷۷ توسط بندورا^۲ مطرح شده است. اصول خودکارآمدی در رشته‌های مختلف و در موقعیت‌های گوناگون آزمون شده است. بندورا (۱۹۷۷) یکی از نظریه‌پردازان یادگیری است که با به کارگیری مفهوم خودکارآمدی سهم بسزایی در فهم ما از نظریه یادگیری اجتماعی دارد. بندورا معتقد است که در بعضی از موارد، نتیجه کنترل خود بسیار قوی‌تر از نتایجی است که محیط خارج می‌تواند در فرد ایجاد نماید. از نظر وی چیزی سهمگین‌تر و ویرانگرتر از خوار شمردن خود وجود ندارد (به نقل از روئیک و رینگیسن^۳، ۲۰۱۴). خودکارآمدی جزئی از خودپنداره فرد است که به باورهای فرد در رابطه با توانایی‌هایش جهت انجام تکالیفی که در آینده با آنها روبه‌رو می‌شود مربوط است. یکی از جنبه‌های خودکارآمدی، خودکارآمدی تحصیلی است. خودکارآمدی تحصیلی شامل باور داشتن به توانایی‌ها برای رسیدن به اهداف در یک زمینه تحصیلی مشخص است (حاتم‌زاده، ایزدی و هاشمی، ۱۳۹۴). پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خودکارآمدی تحصیلی با انگیزش تحصیلی و عملکرد تحصیلی رابطه معنی‌دار

1. educational self-efficacy
2. Bandoura
3. Roick & Ringeisen

دارد. همچنین آلتونسوی^۱ و همکاران (۲۰۰۶) نشان دادند که تغییر در خودکارآمدی تحصیلی، میزان انگیزش تحصیلی را تغییر می‌دهد. بین خودکارآمدی تحصیلی با نشانه‌های اضطراب و هراس و اختلال اضطراب فراگیر رابطه منفی معنی‌دار به‌دست آمده است. بررسی‌های مرتبط دیگر نشان می‌دهد که ویژگی‌های شخصیتی از جمله روان‌نژندی و برونگرایی با خودکارآمدی تحصیلی رابطه معنی‌دار دارند. از طرفی نتایج تجربی نشان می‌دهد که بین روان‌نژندی و خودکارآمدی تحصیلی رابطه منفی و بین برونگرایی و خودکارآمدی تحصیلی رابطه مثبت وجود دارد (به نقل از جادج^۲ و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین میرابی (۱۳۹۶) در تحقیقی نتیجه گرفت که بین ویژگی‌های شخصیتی با خودکارآمدی تحصیلی در بین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه رابطه وجود دارد.

از دیگر مفاهیم تأثیرگذار در زمینه تعلیم و تربیت، اخلاق تحصیلی^۳ است. اخلاق دانشی است که الگوهای رفتار ارتباطی افراد و سازمان‌ها را در قبال خویش و دیگران تنظیم می‌کند. دانشی نظام‌مند که به الگوهای رفتار ارتباطی درون شخصی، بین شخصی و برون شخصی بر مبنای اراده و عقل می‌پردازد و مبتنی بر رعایت حقوق دو طرف ارتباط است. بدون تردید اخلاق و ارزش‌های اخلاقی سهم قابل توجهی را در جهت‌دهی رفتار وی ایفا می‌کنند. یکی از عرضه‌هایی که معیار و ارزش‌های اخلاقی نقش غیرقابل‌انکاری را در تصمیم‌گیری‌ها و رفتارهای نهایی افراد ایفا می‌کنند عرصه تحصیل، علم و دانش است (حسینی نژاد، ثناگو، کلانتری، جویباری و سعیدی، ۱۳۹۵). بنیان تأثیرگذاری ارزش‌های اخلاقی بر رفتارهای انسانی در فطرت خداجوی انسان‌ها قرار دارد. به همین جهت است که در ادیان مختلف، به‌ویژه در دین مبین اسلام تا این اندازه بر تقویت ارزش‌های اخلاقی در جامعه تأکید شده و می‌شود (گل پرور، ۱۳۹۴). شمول ارزش‌های اخلاقی در عرصه‌های مختلف نظیر کار، تحصیل، روابط اجتماعی و روابط خانوادگی ماهیتی خاص به خود می‌گیرد. به همین لحاظ آنگاه که سخن از اخلاق در عرصه‌ای خاص می‌شود با افزودن اصطلاح یا واژه خاص مربوط به همان عرصه، ارزش‌های اخلاقی ماهیتی اختصاصی به خود می‌گیرد. یکی از عرصه‌های خاصی که در آن اخلاق و ارزش‌های اخلاقی از اهمیت ویژه و بسزایی برخوردار است، عرصه تحصیل علم و دانش است. بر اساس نظریات و پژوهش‌های صورت

1. Altunsoy, Chimen, Ekici, Derya Atik & Ahmet

2. Judge, Jackson, Shaw, Scott & Rich

3. educational ethic

گرفته، اخلاق تحصیلی، به شکلی کاملاً اختصاصی، پایبندی و پیروی از ارزش‌هایی نظیر عدم فریبکاری، تکیه بر تلاش و کوشش شخصی در کسب دستاوردهای تحصیلی، رعایت صداقت، درستکاری و متابعت از آموزه‌های انسانی و اخلاقی برای کسب دانش و علم را شامل می‌شود (اسمیت، کودلاک و فرا، ۲۰۱۳). در همین رابطه یاسمی نژاد (۱۳۹۳) در تحقیقی نتیجه گرفت که؛ بین دو گروه از آزمودنی‌ها از نظر اخلاق تحصیلی، بخشودگی بین فردی و مؤلفه‌های آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین دو گروه از آزمودنی‌های مورد مطالعه از نظر مسئولیت‌پذیری و همدلی هیجانی نیز تفاوت معنی‌داری به دست آمد.

برای افزایش اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان، استفاده از آموزش هوش اخلاقی^۲ می‌تواند مؤثر باشد. هوش اخلاقی خط سیر اخلاقی فرد را در زندگی و دنیای کار تعیین و از بروز اعمال بزهکارانه و خلاف قانون جلوگیری می‌کند و باعث رعایت اخلاق در تصمیم‌گیری‌ها می‌شود (بائو^۳ و همکاران، ۲۰۱۵). فردی که مفاهیم اخلاقی نظیر اهمیت خویشتن‌داری، صبر و بخشش در روابط بین فردی را بیاموزد و بتواند خشم خود را مهار کند سازگاری اجتماعی بالاتری دارد (درتاج، مصائبی و اسدزاده، ۱۳۸۸). همچنین افرادی که هوش اخلاقی بالایی دارند گرمی و صمیمیت بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستانشان مهربانند و به نیازهای آنها حساس‌تر هستند (گینی، پزولی و هیمل^۴، ۲۰۱۴). هر قدر هوش اخلاقی در دانش‌آموزان بالاتر باشد، آنها علاوه بر تلاش برای کسب خواسته‌های خود به روش درست، با دشواری کمتری با همکلاسی‌ها و معلمان رابطه برقرار می‌کنند و این توانمندی سبب می‌شود راحت‌تر مشکلات درسی خود را از دوستانشان پرسند و در ارتباط با معلمان راحت‌تر باشند و هنگام نیازمندی، یاریگران بیشتری در اطراف خود داشته باشد (یاسمی نژاد، ۱۳۹۳). پژوهش‌های مختلفی پیرامون اثربخشی آموزش‌های هوش اخلاقی در اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی انجام شده است که در شرح زیر به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: اسماعیل، رضاپور، بهجتی و نیازی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش مفاهیم اخلاق در خانواده به شیوه

-
1. Smith, Kudlac & Fera
 2. moral intelligence
 3. Bao
 4. Gini, Pozzoli & Hymel

قصه‌گویی بر اساس قصه‌های دینی و قرآنی بر هوش اخلاقی و هوش هیجانی دختران نوجوان» نتیجه گرفتند که؛ میانگین نمره‌های پس آزمون شرکت‌کنندگان گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل در هوش اخلاقی و هوش هیجانی به‌طور معنی‌داری بیشتر شده بود؛ به عبارت دیگر، آموزش مفاهیم اخلاق در خانواده به شیوه قصه‌گویی بر اساس قصه‌های دینی و قرآنی در گروه آزمایش به افزایش هوش اخلاقی و هوش هیجانی منجر شده بود. رضاپور و شاهدی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «اثربخشی آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بهبود حالت‌های خلقی و رفتارهای یادگیری دانش‌آموزان» نتیجه گرفتند که؛ همه ابعاد حالت‌های خلقی دانش‌آموزان گروه آزمایش شامل بعد هیجانی، فعالیت، اجتماع‌پذیری، کمرویی و رفتارهای یادگیری آن‌ها بعد از اجرای آزمایش به‌طور معنی‌داری بهتر از دانش‌آموزان گروه کنترل شده و این بهبود در مرحله پیگیری نیز پایدار مانده بود. یاسمی‌نژاد (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان «اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر بخشودگی بین فردی، همدلی هیجانی، مسئولیت‌پذیری و اخلاق تحصیلی دانش‌آموزان دختر متوسطه» نتیجه گرفت که؛ بین دو گروه از نظر اخلاق تحصیلی، بخشودگی بین فردی و مؤلفه‌های آن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین بین دو گروه از نظر مسئولیت‌پذیری و همدلی هیجانی نیز تفاوت معنی‌داری به دست آمد. سنگساوانگ و کرتناور^۱ (۲۰۱۵) در پژوهشی نتیجه گرفتند که؛ هوش اخلاقی ارتباط زیادی با وراثت ندارد. وابستگی شدید زندگی کودک به مراقب‌ها در اوایل زندگی، نحوه‌ای که والدین واکنش‌های عاطفی خود را تنظیم می‌کنند، تأثیر مستقیمی بر خودپنداره اخلاقی کودک دارد. گینی، پزولی و هیمل^۲ (۲۰۱۴) در پژوهشی نتیجه گرفتند که؛ کودکانی که هوش اخلاقی بالایی دارند گرمی و صمیمیت بیشتری نسبت به دیگران نشان می‌دهند، با دوستانشان مهربانند و به نیازهای آن‌ها حساس‌تر هستند. با توجه به توضیحات شرح بالا در این پژوهش هم این سؤال مطرح است که آیا آموزش‌های هوش اخلاقی در اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان تأثیر دارد؟

1. Sengsavang & Krettenauer
2. Gini, Pozzoli & Hymel

روش

این پژوهش از نوع آزمایشی با طرح گروه کنترل نامعادل بود. در این پژوهش، جامعه آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه دهم شهر زنجان در سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷ به تعداد ۷۷۱ نفر بودند که از بین آن‌ها نمونه‌ای به حجم ۴۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی ساده انتخاب و سپس به‌طور تصادفی در ۲ گروه (۱ گروه آزمایش و ۱ گروه کنترل) تقسیم و جایگزین شدند. آزمودنی‌های دو گروه پرسشنامه‌های اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی را در مرحله پیش‌آزمون و پس‌آزمون تکمیل کردند. گروه آزمایشی به مدت ۱۱ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای تحت مداخله آموزشی هوش اخلاقی قرار گرفتند درحالی‌که در طول این مدت گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای را دریافت نکردند. روش اجرای این پژوهش بدین صورت بود که ابتدا دانش‌آموزان دختر پایه دهم ناحیه ۱ شهر زنجان شناسایی شدند. سپس پرسشنامه‌های اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی در بین آن‌ها توزیع شد و تعداد ۱۸۳ نفر از دانش‌آموزانی که در هر یک از پرسشنامه‌های مذکور نمره کمتر از خط برش (خودکارآمدی تحصیلی دارای خط برش ۹۶ و اخلاق تحصیلی دارای خط برش ۳۲) گرفته بودند مشخص شدند. در ادامه نیز تعداد ۴۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شده و به‌صورت جایگزین به دو گروه ۲۰ نفری (۱ گروه آزمایش و یک کنترل) جایگزین شدند. برای گروه آزمایشی، مداخله آموزشی هوش اخلاقی اجرا شد. در طول این مدت گروه کنترل هیچ‌گونه مداخله‌ای را دریافت نکرد. در پایان مجدداً پرسشنامه‌های اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی برای هر دو گروه به‌عنوان پس‌آزمون اجرا گردید. جزئیات بسته آموزشی و پرسشنامه‌ها به شرح زیر است:

پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی: برای گردآوری داده‌های موردنیاز در این تحقیق از پرسشنامه خودکارآمدی تحصیلی استفاده شد. این پرسشنامه توسط اون و فرانمن^۱ (۱۹۸۸) ساخته شده و دارای ۳۲ سؤال در طیف ۵ درجه‌ای لیکرت است. این پرسشنامه بدون خرده مؤلفه بوده و دارای سؤالات معکوس نیست. حداقل نمره این پرسشنامه ۳۲، حداکثر نمره آن ۱۶۰ و خط برش آن نیز ۹۶ است. اون و فرانمن (۱۹۸۸) اعتبار این پرسشنامه را با روش بازآزمایی به فاصله ۸ هفته ۰/۹۰ به دست آوردند. بهرام‌پور (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی پایایی

1. Owen & Framan

پرسشنامه مذکور را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ^۱ ۰/۸۸ محاسبه کرد. این پرسشنامه به صورت تک مؤلفه‌ای است. در این مطالعه هم پایایی پرسشنامه مذکور با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۱ محاسبه شد.

پرسشنامه اخلاق تحصیلی: برای سنجش اخلاق تحصیلی از پرسشنامه ۸ سؤالی گلپرور (۱۳۹۳) استفاده شد. این پرسشنامه دارای مقیاس پاسخگویی هفت‌درجه‌ای لیکرت (کاملاً مخالف=۱ تا کاملاً موافق=۷) است. این تمایلات پایبندی به ارزش‌های اخلاقی در حین تحصیل نظیر تکیه بر تلاش‌ها و کوشش‌های شخصی برای پیشرفت در تحصیل را اندازه‌گیری می‌کند. این پرسشنامه بدون خرده مؤلفه بوده و دارای سؤالات معکوس نیست. حداقل نمره این پرسشنامه ۸، حداکثر نمره آن ۵۶ و خط برش آن نیز ۳۲ است. گل پرور (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۱ محاسبه کرده است. همچنین سلمان پور (۱۳۹۵) در پژوهشی پایایی پرسشنامه مذکور را از طریق ضریب آلفای کرونباخ ۰/۷۴ به دست آورده است. این پرسشنامه به صورت تک مؤلفه‌ای است. در این مطالعه هم پایایی پرسشنامه مذکور با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد.

آموزش هوش اخلاقی: این بسته آموزشی بر اساس مبانی نظری بوربا^۲ (۲۰۰۵) در ۱۱ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای (تواتر جلسات به صورت هفته‌ای دو بار) ساخته شده است. خلاصه محورهای بسته آموزشی مذکور به شرح زیر است:

جدول ۱. مراحل جلسات آموزش هوش اخلاقی بر اساس مبانی نظری بوربا (۲۰۰۵)

جلسات	محتوا
اول	معارفه و بیان قوانین جلسات،
دوم	آموزش احترام،
سوم	آموزش مهربانی،
چهارم	آموزش همدلی،
پنجم	آموزش مسئولیت‌پذیری،
ششم	آموزش خوب‌گویی،
هفتم	آموزش انصاف،
هشتم	آموزش بردباری،
نهم	آموزش صداقت و بردباری،

1. cronbachs coefficient alpha (α)

2. Borba

جلسات	محتوا
دهم	آموزش بخشش و
یازدهم	خلاصه و نتیجه‌گیری.

پس از اتمام این مراحل نیز با استفاده از روش آماری تحلیل کوواریانس^۱، نسبت به تجزیه و تحلیل آماری اقدام شد.

یافته‌ها

یافته‌های مربوط به میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۲. نتایج میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای پژوهش

متغیر	گروه	پیش‌آزمون	پس‌آزمون
		میانگین	انحراف استاندارد
اخلاق تحصیلی	آزمایش	۲۸/۱۰	۲/۶۹
	کنترل	۲۸/۸۵	۳/۴۰
خودکارآمدی تحصیلی	آزمایش	۵۵/۷۵	۱۲/۶۷
	کنترل	۵۶/۹۵	۱۰/۸۶

یافته‌های توصیفی نشان می‌دهد میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در اخلاق تحصیلی ($M=43/85$ و $SD=3/21$) نسبت به پیش‌آزمون ($M=28/10$ و $SD=2/69$) افزایش یافت. همچنین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش در خودکارآمدی تحصیلی ($M=96/05$ و $SD=10/87$) نسبت به پیش‌آزمون ($M=55/75$ و $SD=12/67$) افزایش یافت. همین‌طور، میانگین نمرات پس‌آزمون گروه کنترل در هر دو گروه آزمایشی نسبت به پیش‌آزمون تغییر قابل توجهی پیدا نکرد.

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل کوواریانس جهت رعایت فرض‌های آن از آزمون‌های شاپیرو-ویلک، باکس و لوین استفاده شده است. فرض صفر برای نرمال بودن توزیع نمره متغیرهای اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی تأیید می‌گردد. به عبارت دیگر سطح عدم معنی‌داری شاخص شاپیرو-ویلک بیانگر نرمال بودن توزیع نمره

1. analysis of variance

	۰/۸۴۰	۰/۰۰۱	۱۸/۴۲۸	۲۲۰۳/۸۹	۱	۲۲۰۳/۸۹	اخلاق
۱			۹				تحصیلی
	۰/۸۳۳	۰/۰۰۱	۱۷/۹۵۸	۱۶۳۷/۸۷	۱	۱۶۳۷/۸۷	خودکارآمد
۱			۸	۹		۹	ی تحصیلی

همان‌طوری که داده‌های جدول ۴ نشان می‌دهد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین نمره اخلاق تحصیلی ($F= ۱۸۹/۴۲۸, P<۰/۰۰۱$ و $۰/۸۴۰ =$ اندازه اثر) در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث افزایش نمره اخلاق تحصیلی در پس‌آزمون گروه آزمایش شده و توانسته است ۸۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کند؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش هوش اخلاقی در افزایش اخلاق تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. برابر نتایج به‌دست آمده فرضیه اول تأیید می‌شود. از طرفی داده‌های جدول مذکور نشان می‌دهد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین نمره خودکارآمدی تحصیلی ($F= ۱۷۸/۹۵۸, P<۰/۰۰۱$ و $۰/۸۳۳ =$ اندازه اثر) در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث افزایش نمره خودکارآمدی تحصیلی در پس‌آزمون گروه آزمایش شده و توانسته است ۸۳ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کند؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش هوش اخلاقی در افزایش خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است. برابر نتایج به‌دست آمده فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف اثربخشی آموزش هوش اخلاقی بر اخلاق تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه دهم مدارس دولتی شهر زنجان انجام شد. برای این منظور تعداد دو فرضیه مورد مطالعه قرار گرفت. نتایج بحث و بررسی فرضیه‌های مذکور به شرح زیر است.

در فرضیه اول؛ نتایج تحلیل کوواریانس نشان داد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین نمره اخلاق تحصیلی ($F= ۱۸۹/۴۲۸, P<۰/۰۰۱$ و $۰/۸۴۰ =$ اندازه اثر) در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث افزایش نمره اخلاق تحصیلی در پس‌آزمون گروه آزمایش شده و توانسته است ۸۴ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کند؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش هوش اخلاقی در افزایش اخلاق تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است؛ بنابراین فرضیه اول تأیید می‌شود. این یافته با نتایج پژوهش‌های

اسماعیل و همکاران (۱۳۹۶) و یاسمی نژاد (۱۳۹۳) همسو است. در همین رابطه گل پرور (۱۳۸۹) معتقد است اخلاق می‌تواند در امر فعالیت‌های آموزشی و پرورشی یاددهندگان و یادگیرندگان نقش قابل توجهی داشته باشد و هدف راهنمایی تحصیلی در کنار موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان پرورش آنان در حیطه‌های مختلف از جمله حیطه اخلاقی است. یکی از متغیرهایی که اخیراً مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است اخلاق تحصیلی است. در حقیقت اخلاق تحصیلی عبارت است از رعایت استانداردهای اخلاقی از جمله تکیه بر تلاش‌های شخصی نه دسترنج دیگران، دوری از تنبلی و توسل به شیوه‌های غیراخلاقی در پشت سر گذاشتن تکالیف و امتحانات است. همچنین ویرجینیا، میوری و دوئل^۱ (۲۰۱۱) بیان می‌کنند که اخلاق تحصیلی عبارت است از اصول اخلاقی که به واسطه آن فرد ارزش‌هایی از جمله اجتناب از تقلب، سرقت ادبی، رعایت و پایبندی به استانداردهای اخلاقی، صداقت و دقت در پژوهش و نشر را در امور تحصیلی-علمی سرلوحه کار خود قرار می‌دهد. تحصیل غالباً همراه با اخلاق تحصیلی و با هدف ویژه اخلاق تحصیلی گسترش پیدا کرده است.

در تبیین این یافته می‌توان گفت محتوای برنامه آموزش هوش اخلاقی همان‌طوری که اسم آن پیداست، آموزش موازین اخلاقی و اصول حاکم در جامعه است. به دنبال این آموزش، از دانش‌آموزان انتظار می‌رود تا نسبت به رعایت اصول و مقررات موجود در جامعه اهتمام لازم را به کار گیرند. از آنجایی که اخلاق تحصیلی هم پایبندی دانش‌آموزان به رعایت مقررات و جلوگیری از هرگونه تخلف در محیط مدرسه را دنبال می‌کند بنابراین زمانی که دانش‌آموزان در معرض آموزش هوش اخلاقی قرار بگیرند به جهت ارتباط محتوایی این آموزش‌ها، در محیط مدرسه نیز نسبت به رعایت اصول انضباطی و پرهیز از هرگونه اعمال و رفتار خلاف پایبند خواهند بود.

در فرضیه دوم؛ نتایج تحلیل کوواریانس نشان می‌دهد با کنترل نمرات پیش‌آزمون، بین نمره خودکارآمدی تحصیلی ($P < 0/001$ ، $F = 178/958$ و $F = 0/833$ = اندازه اثر) در دو گروه آزمایش و کنترل تفاوت معنی‌داری مشاهده شد؛ یعنی آموزش هوش اخلاقی باعث افزایش نمره خودکارآمدی تحصیلی در پس‌آزمون گروه آزمایش شده و توانسته است ۸۳ درصد واریانس متغیر وابسته را تبیین کند؛ بنابراین می‌توان گفت آموزش هوش اخلاقی در افزایش خودکارآمدی تحصیلی دانش‌آموزان مؤثر است؛ بنابراین فرضیه دوم نیز تأیید می‌شود. این

1. Virginia, Miori & Doyle

یافته با نتایج پژوهش‌های رضاپور و شاهی (۱۳۹۶) و آنسونگ^۱ و همکاران (۲۰۱۸) همسو است. در همین رابطه بندورا (۲۰۰۰) معتقد است که انسان برای کسب اطلاعات، تصمیم‌گیری، حل مشکلات، مدیریت محیط و تمامی فرآیندهایی که خودکارآمدی فردی را تعیین می‌کند، به قابلیت‌های مهمی نیاز دارد که شامل؛ قابلیت رمزگذاری، قابلیت جایگزینی، قابلیت دوراندیشی، قابلیت خودسامانی (خودتنظیمی) و قابلیت خوداندیشی هستند. به‌زعم بندورا (۱۹۹۷) افراد به‌وسیله این قابلیت‌ها در رفتارهای خود، بیش‌ازپیش، فعال خواهند شد و قادر می‌شوند تا عملکردهای فردی خود را بهبود ببخشند. این ظرفیت‌ها در کنترل اتفاقاتی که بر زندگی تأثیر می‌گذارد، تأثیر زیادی دارند. این قابلیت‌ها برای ایجاد، تنظیم و نگهداری رفتاری خاص از سوی افراد به کار گرفته می‌شود. این قابلیت‌ها به‌عنوان مفاهیم شناختی در تعیین سرنوشت افراد نقش مهمی ایفا می‌کنند (به نقل از مهد و فولادچنگ، ۱۳۹۱).

در تبیین این یافته می‌توان گفت دانش‌آموزانی که در معرض آموزش هوش اخلاقی قرار گیرند در تصمیم‌گیری‌های خود به دنبال رعایت اخلاق هستند. از طرفی رعایت اخلاق در تصمیم‌گیری، موجب تسریع در دستیابی به اهداف می‌شود. دانش‌آموزانی که موفقیتی در دستیابی به اهداف کسب نمایند، احساس خودکارآمدی کرده و این حس علاوه بر سایر جهات زندگی، در زمینه تحصیلی دانش‌آموزان نیز ظهور و بروز می‌یابد.

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده از یافته‌های این پژوهش، پیشنهاد می‌شود؛ (۱) به‌منظور افزایش کمیت و کیفیت انرژی جسمانی و روانی دانش‌آموزان که در طول دوران تحصیلی سرمایه‌گذاری آموزش‌های خود می‌کنند، (۲) افزایش پابندی و پیروی دانش‌آموزان از ارزش‌هایی نظیر عدم فریبکاری، تکیه بر تلاش و کوشش شخصی در کسب دستاوردهای تحصیلی، رعایت صداقت، درستکاری و متابعت از آموزه‌های انسانی و اخلاقی برای کسب دانش و علم و (۳) نیز افزایش باور به توانایی‌های دانش‌آموزان برای رسیدن به اهداف در یک زمینه تحصیلی مشخص، از آموزش‌های هوش اخلاقی استفاده شود. برای آموزش متغیرهای مذکور از مشاوران متخصص و روانشناسان مجرب استفاده گردد. برای تکمیل آموزش‌های یادشده می‌توان از فیلم‌های آموزشی و بروشورهای مختلف استفاده کرد. این پژوهش با محدودیت‌هایی روبرو بود. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۱)

1. Ansong

مقررات سخت در زمینه دسترسی به آزمودنی‌ها، (۲) عدم همکاری برخی پاسخگویان در تکمیل پرسشنامه به دلیل مشغله زیاد و کمبود وقت، (۳) عدم درک درست و صحیح آزمودنی‌ها از مباحث علمی مندرج در پرسشنامه‌ها و عدم آگاهی از موضوع تحقیق، (۴) نداشتن علاقه پاسخگویان به امور پژوهشی و (۵) تعدادی از اولیاء دانش آموزان نسبت به مشارکت فرزندانشان در چنین پژوهشی تمایلی نداشتند.

منابع

- اسماعیل، منیره؛ رضاپور، یاسر؛ بهجتی، فاطمه؛ نیازی، شهریار. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش مفاهیم اخلاق در خانواده به شیوه قصه‌گویی بر اساس قصه‌های دینی و قرآنی بر هوش اخلاقی و هوش هیجانی. *مجله فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*، ۱۲(۴۱)، ۲۲-۷.
- حاتم‌زاده، یاسر؛ ایزدی، محمود؛ هاشمی، زهرا. (۱۳۹۴). بررسی همبستگی جهت‌گیری مذهبی، ابعاد شخصیت و خودکارآمدی با سبک‌های مقابله با استرس در دانشجویان کارورز پرستاری. *مجله پژوهش پرستاری*، ۶(۲۲)، ۶۴-۵۳.
- حسینی نژاد، سیدمحسن؛ ثناگو، اکرم؛ کلانتری، سهیلا؛ جویباری، لیلا؛ سعیدی، سمیرا. (۱۳۹۵). اخلاق تحصیلی در محیط آموزشی؛ دیدگاه و تجربیات دانشجویان پزشکی. *مجله توسعه آموزش در علوم پزشکی*، ۹(۲۲)، ۴۳-۳۴.
- دانایی‌فرد، حسن؛ تراب زاده، محمدصادق. (۱۳۹۶). تحلیلی بر انسجام نظریه عدالت در خط‌مشی‌های آموزشی؛ رویکرد ارزیابی نظریه برنامه. *مجله اندیشه مدیریت راهبردی*، ۱۱(۱)، ۱۰۸-۷۳.
- درتاج، فریبرز؛ مصائبی، اسدالله؛ اسدزاده، حسن. (۱۳۸۸). تأثیر آموزش مدیریت خشم بر پرخاشگری و سازگاری اجتماعی دانش آموزان پسر ۱۵-۱۲ ساله. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۳(۱۲)، ۷۲-۶۲.
- رضاپور، یاسر؛ شاهدی، سمیه. (۱۳۹۶). اثربخشی آموزش هوش اخلاقی به شیوه قصه‌گویی بر بهبود حالت‌های خلقی و رفتارهای یادگیری دانش آموزان. *فصلنامه علمی- پژوهشی روانشناسی کاربردی*، ۲(۴۲)، ۱۹۴-۱۷۵.
- گل‌پرور، محسن. (۱۳۸۹). بررسی نقش اخلاق تحصیلی، عدالت و بی‌عدالتی آموزشی در رفتارهای مدنی تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه اندیشه‌های تازه در علوم تربیتی*، ۵(۴)، ۲۵-۴۲.

گل‌پرور، محسن. (۱۳۹۴). نقش اخلاق تحصیلی در رابطه عدالت و بی‌عدالتی آموزشی با فریبکاری تحصیلی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان.

مهدی، مینا؛ فولادچنگ، محبوبه. (۱۳۹۱). نقش دل‌بستگی به والدین در پیشرفت تحصیلی با واسطه‌گری خودکارآمدی. فصلنامه روانشناسی کاربردی، ۶(۱)، ۱۰۲-۸۸.

میرابی، سکینه. (۱۳۹۶). رابطه ویژگی‌های شخصیتی با اعتیاد به اینترنت و خودکارآمدی تحصیلی در بین دانش‌آموزان دوره اول متوسطه استان گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته روان‌شناسی عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

یاسمی نژاد، پرینا. (۱۳۹۳). تأثیر آموزش هوش اخلاقی بر مسئولیت‌پذیری، همدلی هیجانی، اخلاق تحصیلی و بخشودگی بین فردی دانش‌آموزان دختر پایه سوم مقطع متوسطه. رساله دکتری رشته روان‌شناسی تربیتی دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز.

- Ansong, D., Eisensmith, S. R., Okumu, M., & Chowa, G. A. (2019). The importance of self-efficacy and educational aspirations for academic achievement in resource-limited countries: Evidence from Ghana. *Journal of adolescence*, 70, 13-23.
- Bao, Z., Zhang, W., Lai, X., Sun, W., & Wang, Y. (2015). Parental attachment and Chinese adolescents' delinquency: The mediating role of moral disengagement. *Journal of adolescence*, 44, 37-47.
- Gini, G., Pozzoli, T., & Hymel, S. (2014). Moral disengagement among children and youth: A meta-analytic review of links to aggressive behavior. *Aggressive behavior*, 40(1), 56-68.
- Judge, T. A., Jackson, C. L., Shaw, J. C., Scott, B. A., & Rich, B. L. (2007). Self-efficacy and work-related performance: The integral role of individual differences. *Journal of applied psychology*, 92(1), 107.
- Roick, J., & Ringeisen, T. (2018). Students' math performance in higher education: Examining the role of self-regulated learning and self-efficacy. *Learning and Individual Differences*, 65, 148-158.
- Sengsavang, S., & Krettenauer, T. (2015). Children's moral self-concept: The role of aggression and parent-child relationships. *Merrill-Palmer Quarterly*, 61(2), 213-235.
- Smith, T. R., Langenbacher, M., Kudlac, C., & Fera, A. G. (2013). Deviant reactions to the college pressure cooker: A test of general strain theory on undergraduate students in the United States. *International Journal of Criminal Justice Sciences*, 8(2).